

مهدی رجبی، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان:

بچه ها در مدرسه کتاب خوان نمی شوند



مهدی رجبی معتقد است کتاب خوانی از خانواده‌ها آغاز می‌شود و بچه‌ها در مدرسه کتاب‌خوان نمی‌شوند. این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایسنا درباره مسئله کتاب‌خوانی کودکان و نوجوانان و راهکارهای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها اظهار کرد: برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها باید مجموعه‌ای از اقدامات انجام شود؛ از دولت و آموزش و پرورش گرفته تا خانواده‌ها و انجمن‌های ادبی، همه فعالیت یکدیگر را تکمیل می‌کنند و هریک از این‌ها که کم‌کاری کند، چرخه به هم می‌ریزد. او گفت: اگر فضا برای کتاب‌خوانی فراهم نشود یعنی کتابخانه‌ها نباشند یا جشنواره‌های کتاب نباشند یا اگر وضعیت کتاب به هم بریزد، نمی‌توانیم خیلی راحت درباره کتاب‌خوانی اظهارنظر کنیم یا مردم را تشویق کنیم به جای چیزهای دیگر، کتاب هدیه بدهند یا حرف‌هایی شعاری سر دهیم که «ما باید کتاب بخوانیم که سطح فرهنگ بالا برود». همه ما این‌ها را می‌دانیم.

رجبی افزود: با توجه به اینکه کتاب‌خوانی امری به هم پیوسته است، پاسخ به راهکارهای کتاب‌خوان شدن بچه‌ها سخت است. باید ببینیم در چه وضعی از لزوم کتاب‌خوانی صحبت می‌کنیم؛ آیا وضعیت خوبی فراهم است و وضعیت معیشتی به‌گونه‌ای است که مخاطب بتواند برای کتاب هم هزینه کند؟ اگر هزینه کتاب بالاست، کتابخانه‌هایی هستند که کتاب‌های مطر ح را تهیه کنند و به دست بچه‌هایی برسانند که توان خرید ندارند؟

این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان با بیان اینکه کتاب‌خوانی از خانواده‌ها آغاز می‌شود توضیح داد: اینکه بچه‌ها را به مدرسه می‌فرستیم فقط رفع تکلیف است تا مدرکی بگیرند وگرنه بعید است بچه‌ها در مدرسه کتاب‌خوان شوند، زیرا اطلاعاتی که در مدرسه با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند، اطلاعات علمی یا چیزهای کلی دیگر است و بعدها مسیر خیلی‌ها تغییر می‌کند. اما بعد فرهنگی کتاب‌خوانی به خانواده‌ها و تأثیری که خانواده از رسانه می‌گیرد، برمی‌گردد.

بازگشت حنیف قریشی به زادگاه



حنیف قریشی، نویسنده و فیلم‌ساز بریتانیایی پاکستانی تبار، از بازگشت خود به انگلستان خبر داد. او که به تازگی پس از شش‌ماه بستری شدن در بیمارستانی در رم، از بازگشت خود به لندن خبر داده است، همچنین در نوییتی به تعریف و تمجید از رفتار حرفه‌ای و مهربانی کارکنان بخش توان‌بخشی اعصاب در بیمارستان یادشده پرداخت. این داستان‌نویس سال گذشته طی اتفاقی در شهر رم زمین‌خورده و به دنبال آن از احتمال ناتوانی در راه رفتن و نوشتن خود خبر داده بود.

زین قنبر

علیرضا حیدری/مدرس ویراستاری

- ناوبراسته ❌

آنچه در نظریه‌نسل‌ها مورد تأکید است، مفهوم شکاف نسلی است که بیشتر با مفهوم تغییر اجتماعی قابل توضیح است.

- ویراسته ✔

آنچه در نظریه‌نسل‌ها تأکید می‌شود، مفهوم شکاف نسلی است که بیشتر با مفهوم تغییر اجتماعی قابل توضیح است.

- نکته 📌

آیا «تأکید می‌شود»، روان‌تر از «مورد تأکید است»، نیست؟

#زین_قنبر_پارسی

شهریار

۵۵شبه
۵- آبان ۱۴۰۲
۳۰ دی‌ماه ۱۳۴۴
شماره ۳۹۰

۱۰



فرهنگ و ادبیات

درنگ



مریم محبی

نخستین بار، سال ۱۳۹۵ بود که کتاب «زنان در شاهنامه، جلال خالقی مطلق به زبان فارسی ترجمه شد. کتابی که در واقع رساله دکتری اوست که در سال ۱۳۴۹ در دانشگاه کلن آلمان از آن دفاع کرد و یک سال بعد، در فرایبورگ آلمان به چاپ رساند. این کتاب در سال ۲۰۱۲ به وسیله شخصی به نام بریگیته نوین اشواندر در کالیفرنیا به انگلیسی ترجمه و منتشر شد. یک مرتبه دیگر نیز در سال ۱۳۹۸ به فارسی ترجمه شد. ترجمه‌ای که گفته می‌شود یکی از دلایل آن ترجمه پر از ایراد پیشین بود که حاوی نقص و اشتباه و موارد مبهم یا توضیح‌داده‌نشده زیادی بود و حتی بسیاری از اسامی خاص آن هم نادرست نوشته شده بود. اما به تازگی خبر چاپ نخستین ترجمه کتاب از آلمانی به فارسی به قلم مریم رضایی و با عنوان «زن در شاهنامه، منتشر شده است. پیش از این در صفحه فرهنگ و ادبیات، ابعادی از شاهنامه (عاشقانه‌ها در شاهکار حکیم ابوالقاسم فردوسی و قدرت در شاهنامه) را بررسی کرده بودیم. خبر انتشار ترجمه تازه از کتاب دکتر خالقی فرصتی را فراهم ساخت تا این بار با سرکی مختصر در این کتاب به جنبه دیگری از اثر فاخر ،شاهنامه فردوسی، بپردازیم؛ زنان تأثیرگذار.

در نسخه‌های معتبر شاهنامه اثری از آن نیست. آرزو، آزاده، آرمیدخت، پوران‌دخت، تهمینه، جریره، سیندخت، شهرناز، فرانک، فرنگیس، کتابیون، گل‌شهر، ماه‌آفرید، منیزه و کلی نام دیگر، زن‌هایی هستند که در شاهنامه از آن‌ها نام برده شده و این حضور فقط در بزنگاه‌های عاشقانه نبوده است. زنان علاوه بر پیشبرد عاشقانه‌ها، در پیشبرد بخش‌های حماسی این اثر فاخر نیز به شدت اثرگذار هستند. زنی جنگاور چون گردآفرید یازنی چون همای که بر تخت پادشاهی می‌نشیند یازنی چون فرانک که در تحولات اجتماعی عصر خویش دخیل است، این اثرگذاری را اثبات و ادعای زن‌ستیزی شاهنامه را رد می‌کنند، هر یک به نوعی و به شیوه‌ای.

«فرانک» «زمینه‌ساز یک قیام فرانک مادر فریدون است و همسر آبتین که مغز سرش خوراک مارهای روی دوش ضحاک می‌شود. خطری که جان پسرش فریدون را تهدید می‌کند، او را او می‌دارد تا اندیشه‌ای کند و کاری. در نتیجه، پاره تنش را برمی‌دارد تا به محل امنی برساند. در نهایت او را به البرزکوه می‌برد بلکه نزد مرد وارسته دینداری پرورش یابد. این اتفاق زمینه‌ساز قیام کاوه‌آهنگر و به زیر کشیدن ضحاک از تخت شاهی می‌شود. درواقع فریدون که به تدبیر مادر از شر ضحاک جان به در برده، بعد از بزرگ شدن و پی بردن به رنجی که بر مادرش و مردم سرزمینش رفته، با یاری کاوه علیه ضحاک قیام می‌کند.



والا زنان شهنامه

نگاهی به کتاب «زن در شاهنامه» و تأثیرگذاری زنان در داستان‌های حکیم توس

تقسیم‌کند و در ادامه، سلم و تور چون به قلمرو ایرج یعنی ایران‌زمین چشم دارند، با کشتن برادر، او را از سر راه برمی‌دارند.

- «سیندخت» و نوه‌اش رستم

سیندخت، مادر رودابه و همسر مهراب کابلی، در شاهنامه زنی است بادرایت. او با تدبیر و مذاکره، آتش خشمی را که عشق زال و رودابه برمی‌انگیزد، خاموش می‌کند. در پی داستان عشق و عاشقی زال و رودابه و ملاحظاتی که بر سر پیوند ایرانیان با نژاد ضحاک (بنیای مهراب) به وجود می‌آید، سیندخت از ترس اینکه میباد آتش خشم پهلوانان ایرانی دامان کابلستان و مهراب و دودمانش را بگیرد، نزد سام (پدر زال) می‌رود و با او صحبت می‌کند و خشم سام را فرو می‌نشانند. درایتی که نتیجه آن به هم رسیدن زال و رودابه و زاده شدن رستم – بزرگ‌ترین پهلوان شاهنامه – از این زوج عاشق است.

- همسرانگی و مادرانگی «رودابه»

رودابه فقط با گوش سپردن به صحبت‌های پدر دوباره زال، ندیده‌عاشق او می‌شود. همسر زال و مادر رستم را به نظر باید نماد عشق به همسر و فرزند نیز دانست. رودابه نخستین زنی است که فرزند خود را از طریق عملی به دنیا می‌آورد که اکنون آن را به نام سزارین می‌شناسیم. درواقع سیمرغ، پرنده افسانه‌ای، به زال می‌آموزد که چگونه با شکافتن پهلوی همسرش جان او و فرزندش را نجات دهد و بعد، با کشیدن پر سیمرغ به محل جراحات آن را التیام بخشد.

- «تهمینه» و داستان تلخ رستم و سهراب

تهمینه کسی است که فردوسی در توصیف او از خرد بالا و جان پاکش سخن می‌گوید، چنان‌که گویی بهره‌ای از زمین و زمینیان ندارد. دختر پادشاه سمنگان، همسر رستم و مادر سهراب و میراث‌دار یکی از رنج‌های بزرگ شاهنامه. وقتی رستم در پی یافتن اسبش «رُخش» به شهر سمنگان می‌رسد، تهمینه به بالین او می‌رود. البته شاهدخت سمنگان برای این ملاقات ناگهانی که در نیمه‌شب اتفاق می‌افتد دلیل دارد. او می‌خواهد از پهلوان نومندی چون رستم که آوازه‌اش به گوش همگان رسیده فرزندی به شایستگی خود جهان‌پهلوان داشته باشد و همچنین رخس -اسب و یاور رستم- را نیز به او برساند. اما این وصال سرآغاز یکی داستان می‌شود پُر آب چشم!

- «گردآفرید» بانوی جنگاور ایرانی

گردآفرید دختر پهلوان نامدار ایران، گذشته، است که هم‌پای مردان در میدان رزم ظاهر شد و شجاعت و جنگاور بودنش بر سر زبان‌هاست. او در پی اسارت برادرش هُجیر به دست سهراب (فرزند رستم که اکنون در سپاه دشمن است)، راهی کارزار می‌شود. آن هم در شمایل یک مرد. اما وقتی در حین نبرد کلاه‌خود از سرش می‌افتد، سهراب به زن بودن او پی می‌برد. او نیز به‌دست سهراب اسیر می‌شود، اما در ادامه، با فریفتن سهراب با این وعده که در سپیدار تسلیمش می‌کند، خود را از دست دشمن می‌رهاند.

- «سودابه» زن بداندیش

سودابه، دختر پادشاه هاماوران و همسر کیکاووس در شاهنامه، زنی است اسیر کج‌اندیشی و وسوسه‌ها که نه تنها خودش، بلکه همه خانواده را به ورطه نابودی می‌کشاند. زنی اغواگر، که به محض دیدن سیاوش دل به او می‌بازد و زان پس، از هیچ تلاشی برای به دام انداختن شاهزاده پاکدامن دریغ نمی‌کند و در نهایت، داستان گذر سیاوش از آتش است که به واسطه نیرنگ‌های او رقم می‌خورد و اثبات پاکدامنی سیاوش، البته سیاوش فرجام خونینی دارد، اما سرنوشت سودابه نیز دو نیم شدن به دست رستم است.

- «منیزه» معشوق وفادار

منیزه دختر افراسیاب (شاه توران و دشمن دیرین ایرانیان) و محور یکی از داستان‌های عاشقانه شاهنامه است. اگرچه در طی داستان وفاداری‌اش بر عشق می‌چربد. پس از اینکه بیژن به فرمان افراسیاب و به دست گرسیوز و به جرم دل باختن به منیزه، به چاه می‌افتد، منیزه او را تنها نگذارد. دختر افراسیاب پیوسته بر سر چاه بود تا به هر طریقی آب و غذایی پیدا کند و برای بیژن به عمق چاه بفرستد و بعدتر نیز با روشن کردن آتش بر سر چاه، رستم و همراهانش را که به سرزمین توران آمده بودند، به سوی بیژن هدایت کرد و سبب رهایی او شد.

- «همای» شاه کیانی

همای دختر بهمن است و معروف به چهارآراد. زنی که بر مسند پادشاهی می‌نشیند و از او به عنوان هفتمین پادشاه سلسله اسطوره‌ای کیانیان یاد شده است. همای بعد از بهمن ۳۲سال پادشاهی کرد و سپس داراب پسرش را جانشین خود ساخت. او را سازنده شهر گلیپایگان نیز می‌دانند.

برخی منابع:

کتاب « جایگاه سیاسی، اجتماعی زنان در شاهنامه، (فریده یوسفی، برگردان فارسی حیدر مختاری، انتشارات شلفین، ۱۳۸۶)، مقاله «زنان در شاهنامه، تحقیقی ارزشمند و ترجمه‌ای نادر خور، (سجادآبدنلو)

منتسب به مرحوم قیصر امین پور خبر داده که در فضای مجازی انتشار یافته است.بر این اساس، این نوشته به امین پور متعلق نیست: «ماه من غصه چرا؟/ آسمان را بنگر / که هنوز/ بعد صدا شب و روز/ مثل آن روز نخست/ گرم و آبی و پر از مهر به ما می‌خندد.../پشت هر کوه بلند/ سبز هزاری ست پر از یاد خدا/ و در آن باز کسی می‌خواند / که خدا هست / خدا هست/ خدا هست هنوز»

فراگیر شدن هر چه بیشتر رسانه‌های مجازی شخصی و همگانی در سال‌های اخیر در کنار سودمندی‌اش زبان‌هایی نیز دارد.

یک‌زبان پرسامد آن انتشار مطالب ساختگی و دروغین یا نسبت دادن خلاف واقع مطالب به اشخاص است. انجمن مبارزه با نشر جعلیات در تازه‌ترین فرسته مجازی خود، از جعلی بودن متنی

این متن جعلی از قیصر امین پور نیست!

گوش‌زد